



فلسفه و حقیقت

رویلرویی هایدگروگادامردرتفسیرآموزه‌ی افلاطون

سیدمسعود حسینی

www.ketab.ir

تسقیق حقیقت

عنوان	شناسه
مقدمه	۱۳۶۶ - حسینی، سیدمسعود
فلسفه و حقیقت: رویارویی هایدر و گادامر در تفسیر آموزه افلاطون/	سیدمسعود حسینی
مقدمه	تهران: شب‌خیز، ۱۳۹۷
مستندات و بررسی	۶ ص.
بک	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۰۳-۰۳
وضعیت فهرست	ف
یادداشت	واریانه
یادداشت	کتابخانه، ۷۰۳
یادداشت	م
موضوع	افلاطون، دیدگاه درباره حقیقت
موضوع	Plato - Views on truth
موضوع	هایدر، مارتین، ۱۸۸۹ - ۱۹۷۶ - دیدگاه درباره حقیقت
موضوع	deggen Martin - Views on truth
موضوع	گادامر، هانس-گئورگ، ۱۹۰۰ - ۲۰۰۲ - دیدگاه درباره حقیقت
موضوع	Adam Hans-Georg - Views on truth
موضوع	حقیقت - فلسفه
موضوع	Truth - Philosophy
رده‌بندی کنگره	BD۱۷۱/ح۵۸ ۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی	۱۲۱
شماره کتابشناسی ملی	۵۳۲۵۸۱۰



ناشر شب‌خیز

فلسفه و حقیقت

رویارویی‌های داید و آدامز در تفسیر آموزه‌ی افلاطون

ترجمه: مسعود حسینی

طراح: حبیب رضایی

تصویر روی جلد: چیدمان اثری از Joseph Kosuth

صفحه‌آرایی: بخش نول - رشب‌خیز

چاپ اول ۱۳۹۷، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۰۰۳-۰-۹

قیمت: ۳۹۰۰۰ تومان

ناشر شب‌خیز: تهران، انتهای اشرفی اصفهانی، خیابان نفت، پلاک ۱۱، واحد ۲۲

تلفن: ۴۴۸۷۰۴۲۶

Email: nashreshabkhiz@gmail.com

nashrshabkhiz

فهرست

۱۱	پیشگفتار و سپاس‌رایی
۱۵	مقدمه
۴۳	بخش نخست: هایدگر، افلاطون و مسئله‌ی حقیقت
۴۵	فصل نخست: حقیقت از دیدگاه هایدگر
۴۸	۱. نخستین صورت‌بندی حقیقت به مثابه‌ی ناپوشیدگی
۵۱	۲. حقیقت به مثابه‌ی ناپوشیدگی همچون بنیاد حقیقت به مثابه‌ی مطابقت
۵۱	۱-۲) مفهوم باستانی «فنونولوژی»: لوگوس و ناپوشیدگی
۵۶	۲-۲) بحث حقیقت در بند ۴۴ وجود و زمان
۶۱	۳. حقیقت اصیل: ناحقیقت، آزادی، راز و سرگستگی
۷۲	۱-۳) راز
۷۳	۲-۳) سرگستگی
۷۴	۳-۳) نسبت راز و سرگستگی
۷۵	۴-۳) فلسفه و پرسش از حقیقت
۶۷	۴. حقیقت به مثابه‌ی پیکار زمین و جهان
۷۷	۱-۴) طرحی کلی از سرآغاز کار هنری

۷۹..... ۲-۴) کار هنری: عنصر هنری و عنصر شی، گونه.....

۸۰..... ۳-۴) تعریف ذات «چیز»: سه تفسیر سنتی و گذار به مفهوم «ابزار».....

۸۷..... ۴-۴) ابزار به مثابه‌ی سر رشته‌ای برای دستیابی به مفهوم «چیز»: نقاشی ون گوگ.....

۹۰..... ۴-۵) نقاشی ون گوگ، زمین و جهان، و ابزار به مثابه‌ی پیوندگاه زمین و جهان.....

۹۲..... ۴-۶) نقاشی ون گوگ: زیبایی و حقیقت.....

۹۹..... ۷-۴) حقیقت و کار هنری.....

۱۱۵..... فصل دوم: تفسیر هایدگر از مفهوم حقیقت نزد افلاطون

۱۱۷..... ۱) نیچه و نقد جهان دوساحتی افلاطون.....

۱۱۸..... ۱-۱) طرح بحث: ناسازگاری هولناک میان حقیقت و هنر.....

۱۲۳..... ۱-۲) برداشت از «حقیقت».....

۱۲۷..... ۱-۳) افلاطون، ابابوار و نیچه.....

۱۳۱..... ۱-۴) نسبت هنر و حقیقت: نیچه و افلاطون.....

۱۴۷..... ۱-۵) جهان نیچه‌ای و جهان افلاطونی.....

۱۵۰..... ۲) رأی نهایی هایدگر در باب فلسفه هنر.....

۱۵۱..... ۱-۲) طرح بحث: تفسیر قطعه‌ای از سخاواری موری.....

۱۵۶..... ۲-۲) تلقی هایدگر از ساختار تمثیل غار.....

۱۵۸..... ۲-۳) تمثیل غار: پیوند پایدیا و حقیقت.....

۱۶۴..... ۲-۴) انتقاد هایدگر از افلاطون.....

۱۷۷..... بخش دوم: گادامر، افلاطون و مسئله‌ی حقیقت

۱۷۹..... فصل سوم: گادامر، هرمنوتیک و حقیقت

۱۸۰..... ۱) هرمنوتیک گادامر.....

۱۸۰..... ۱-۱) تفسیر، واقعیت و شناخت.....

۱۸۸..... ۱-۲) ریشه‌های افلاطونی و هایدگری.....

۱۹۴..... ۱-۳) خیر به عنوان اقی فهم و شناخت بشری.....

۱۹۹..... ۱-۴) استعاره‌ی آمیزه: ایده‌ی حرکت.....

۲۰۶..... ۱-۵) اعتبار در تفسیر.....

۲۰۷	۲. حقیقت و روش: معیار حقیقت؟
۲۱۳	۳. زبان و هستی
۲۲۳	۴. حقیقت: تاریخ، سنت، لوگوس
۲۲۹	فصل چهارم: افلاطون به روایت گادامر
۲۲۹	۱. نظریه‌ی ایده‌ها
۲۳۰	۱-۱) جایگاه ایده‌ها در فلسفه‌ی افلاطون
۲۳۲	۱-۲) سرشت ایده‌ها
۲۴۲	۱-۳) مسئله‌ی واحد و کثیر
۲۴۹	۱-۴) «بهره‌مندی» و «جدایی»
۲۵۴	۱-۵) ابراهام هایدگر
۲۵۸	۲. زیبایی و حقیقت
۲۶۹	۳. تناهی، دیالکتیک آلتیا
۲۸۱	فصل پنجم: نتیجه‌گیری، مراد برابر هایدگر
۲۹۷	واژه‌نامه‌ی آلمانی - انگلیسی - فارسی
۳۰۳	واژه‌نامه‌ی یونانی - فارسی
۳۰۷	منابع
۳۱۵	نمایه

پیشگفتار و سپاسگزاری

کتابی که در دست دارید، صرفاً رتبی کمابیش اصلاح شده از رساله‌ی دکتری‌ام در دانشگاه تهران است. انگیزه‌ی اصلی‌ام در انتخاب موضوع «حقیقت» و پیگیری این مضمون نزد یک فیلسوف باستانی (افلاطون) و دو فیلسوف معاصر (هایدگر و گادامر)، عمدتاً برآمده از دغدغه‌ای شخصی و نه بین‌المللی فلسفی بود. به‌ویژه مطالعه‌ی آثار نیچه از نخستین دوران مطالعات فلسفی‌ام متفاوتم کرده بود که به هر حال می‌بایست به آن پرسش دیرپای فلسفه، «حقیقت چیست؟»، پرداخت، و اگر نه پاسخی قاطع، دست‌کم فرصت و زمینه‌ای برای اندیشیدن بدان فراهم کرد. با وجود این، پرسش مزبور را می‌توان پیش روی هر فیلسوفی در تاریخ فلسفه نهاد و از او پاسخ خواست. از این رو، ذکر دلایلی در توجیه این انتخاب ضروری می‌نماید. انتخاب سه فیلسوف مزبور دست‌کم دو دلیل عمده داشت. دلیل نخست این‌که، صی مطالعاتی که پیش از شروع تحقیق در این زمینه انجام داده بودم، به این موضوع (به‌ویژه در رتبه‌ی دکتری خود هایدگر) پی بردم که بحث حقیقت در تاریخ فلسفه‌ی غربی دو نقطه‌ی عطف تاریخی و سرنوشت‌ساز را از سر گذرانده است: یکی در فلسفه‌ی افلاطون و دیگری در فلسفه‌ی خود هایدگر. البته هایدگر نه مدعی رقم زدن نقطه‌ی عطفی تازه، بلکه مدعی بازگشت به تلقی ماقبل افلاطونی از مفهوم حقیقت است. در این میان، گادامر نیز از منظر بحث از حقیقت و نگرش هایدگر به افلاطون، در مقابل هایدگر موضع‌گیری می‌کند.

بنابراین، پیوندي که در این اثر میان این سه فیلسوف برقرار شده، نه حاصل تصمیمی خودسرانه، که نتیجه‌ی اقتضائاتِ خودِ موضوع بوده است. از این نظر، انتخابِ هایدگر و گادامر و نسبتِ آن‌ها با افلاطون در بحث از «حقیقت»، بر انتخابِ هر فیلسوف دیگری رجحان یافت. و دلیلِ دوم این‌که، معتقدم گادامر در بحثِ خویش از حقیقت، اندیشه‌ی افلاطون و تاریخِ متافیزیکِ موضوعی در قبالِ هایدگر اتخاذ کرده است که از بیاری جنبه‌ها (که این اثر مصروفِ نشان دادنِ آن‌هاست) ممکن است برون‌شدی از مجموعه‌هایی باشد که خودِ تفکرِ هایدگر «فلسفه» را دچار آن‌ها کرده است.

ذکرِ چند نکته در این پیشگفتار ضروری است. نخست این‌که، مؤلف ادعا نمی‌کند که به کلِ بهره‌برداری از این سه فیلسوف اشراف دارد و تمامیِ آثارِ آن‌ها را طیِ پژوهش از نظر گزینش، دسته‌بندی، و ویژه در خصوصِ هایدگر، که چه آثارِ خودِ او و چه آثاری که در شرحِ اندیشه‌ی وی نگاشته شده‌اند از حیثِ شمار و حجمِ بسیار فراوان و انبوه‌اند، ادعای اشراف به همه‌ی آثار ادعای گزافی به نظر می‌رسد. از همین رو، کوشش شده است در بحث از آراء وی بیش از آثار شارحان، به آثارِ خودِ وی (و آن هم به مهم‌ترین آن‌ها، و نه همه‌ی آن‌ها) رجوع شود. دوم این‌که، شاید به نظر رسد اثری که به دو تفسیر (یکی از آنِ هایدگر و دیگری از آنِ گادامر) از اندیشه‌ی افلاطون می‌پردازد و فلسفه‌ی افلاطون در آن نقشی اساسی دارد، جا داشت فصل یا فصولی نیز به تفاسیر سنتی از فلسفه‌ی افلاطون اختصاص داده شود. اما با توجه به هدفِ کتاب، که از ابتدا نه تبعی در فلسفه‌ی افلاطون، بلکه بیش‌تر نگاهی به میراثِ اندیشمندان در فلسفه‌ی معاصر بوده است، اختصاص دادنِ فصل یا فصولی از کتاب به بحثِ بی‌وجه به نظر می‌رسید. سوم این‌که، نگارنده ادعا ندارد که در این اثر توانسته است به کلیه‌ی جوانبِ این موضوع را روشن سازد، بلکه بیش‌تر تلاش کرده است بآبی به موضوعِ و راهی برای پژوهش‌های آتی بگشاید و، به تعبیری، موضوعِ کماکان باز است.

و اما، باید به‌طورِ ویژه از استادِ گرانقدر جنابِ آقای دکتر سید محمدرضا بهشتی سپاسگزاری کنم که نگارشِ این اثر بدونِ راهنمایی‌های ایشان هرگز میسر نمی‌شد. همچنین از دو استادِ عزیز، جنابِ آقای دکتر سید حمید طالب‌زاده و جنابِ آقای دکتر محمدرضا ریخته‌گران که مشاورانِ نگارشِ رساله‌ام بودند کمالِ قدردانی را به جا می‌آورم. نیز بر خود فرض می‌دانم مراتبِ قدردانی‌ام را نسبت به استادانی که زحماتِ داوری، رساله‌ام را بعهده داشتند ابراز کنم: دکتر سعید بناء، مطلقه، دکتر محمد حماد

صافیان، دکتر حسین مصباحیان، و دکتر احمد رجبی. لازم می‌دانم از دوست عزیزم ابراهیم صفابخش نیز سپاسگزاری کنم که با معرفی و در اختیار گذاشتن پاره‌ای منابع نایاب یاری ارزنده‌ای به من کرد. جا دارد از همدلی و یاری همسر من نیز یاد کنم که در دوران قرین تنهایی و دشوار نگارش رساله مایه‌ی دلگرمی‌ام بود. و در پایان، از دکتر مرتضی نوری، مدیر مسئول نشر شب‌خیز که زحمات انتشار این اثر را بر عهده داشتند کمالِ قدردانی را به جا می‌آورم.

سید مسعود حسینی

شهریور ۱۳۹۷